

را تخریب کنم. معنی ندارد چون من اعتراض دارم پس همه بازاری‌ها باید مغازه‌ها را ببندند! اینکه عین دیکتاتوری است. این اعتراض نیست، آزادی نیست. هیچ جای دنیا این را قبول نمی‌کنند. این می‌شود هرج و مرج و اغتشاش. نظارت پیشینی درست است. من معتقدم اگر کسی بخواهد تجمع کند نیاز به مجوز دارد اما باید اجازه داد، سخت‌گیری نکرد و جلوی رفتارهای سلیقه‌ای و سیاسی‌کاری گرفته بشود. طبق قانون، اصل بر این است که وقتی کسی تقاضای مجوز می‌کند، باید مجوز داد و این مسئولیت را به عهده گرفت، مگر اینکه دلایل موجهی باشد که مجوز داده نشود. باید همت کرد و شرایط تجمع مردم را فراهم کرد. باید گذاشت مردم اعتراض کنند. اعتراض قانونی باید نهادینه شود.

از نظر شما حدود قانونی و نظارت پیشینی چقدر باید باشد که تنگ‌نظری و رفتار سلیقه‌ای اتفاق نیفتد و به بیان شما اعتراض قانونی جایگزین اغتشاش‌های غیرقانونی شود؟ آیا حدود نظارت پیشینی در قانون روشن شده است؟

درخواست متقاضیان باید تا جای ممکن به رسمیت شناخته شود. الان سه پیش‌نویس وجود دارد: یک متن از قدیم بوده که به جایی نرسیده است. لایحه‌ای که در گذشته معاونت حقوقی ریاست جمهوری بر مبنای نظارت پسینی مطلق تدوین کرده است، در دولت وقت مورد قبول واقع نشد. این پیش‌نویس در هیچ مرجعی مورد تأیید و تصویب قرار نگرفت. در متن جدید معاونت حقوقی دربارهٔ تجمعات سیاسی بر نظارت پیشینی تأکید شده است، اما در اینکه چطور نظارت پیشینی باید تضمین‌کنندهٔ آزادی‌های مردم در تجمع باشد، دقت لازم صورت گرفته است؛ بنابراین اصل بر این است که نظارت پیشینی وجود داشته باشد، اما به محدودیت تجمعات و اعتراضات منجر نشود. دربارهٔ این سؤال که خط قرمز تا کجاست و آیا در اصل ۲۷ خطوط قرمز روشن است یا ابهام دارد، به نظر من، خود قانون اساسی خط قرمز را مشخص کرده است: یکی اینکه نباید محل اسلام باشد، چون اگر اسلام آسیب دید، جمهوریت هم آسیب می‌بیند. دیگر اینکه مغایر با امنیت نباشد، نباید در تجمع اسلحه باشد. امنیت مردم را نباید به هم زد. نظم عمومی، امری کاملاً پذیرفته شده است و نباید به هم بخورد. این دو مورد به نظر من خط قرمز هستند: مغایر اسلام نباشد، مغایر امنیت و نظم عمومی نباشد. البته نباید موجب اضرار به حقوق سایر افراد جامعه هم باشد.

به نظر می‌رسد اعتراض قانونی مهم‌ترین مانع بر سر راه اغتشاشات است؛ یعنی هر قدر اعتراض قانونی را ممکن‌تر کنیم، احتمال افزایش اغتشاش کمتر می‌شود.

صد درصد همین‌طور است. با مردم و معترضان باید حرف زد. اصل بر این است که اگر بنا شد کاری انجام شود باید مردم را هم قانع کرد. جمهوریت یعنی اینکه مردم را قانع کنید. اگر کسانی هم قانع نشدند و می‌خواهند بیایند و اعتراض کنند، اشکال ندارد، بیایند اعتراض کنند، باز این را فرصت بدانیم و برویم آن‌ها را هم قانع کنیم. در واقع این تجمعات صرفاً برای اعتراض نیست، اتفاقاً فرصتی برای نظام حکمرانی و مسئولان کشور است. معترضان تجمع کنند و فلان مسئول برای اقناع آن‌ها برود. حکومت و به خصوص دولت باید اعتراض را فرصت تلقی کند، برای اینکه برود با معترضان حرف بزند و اقناعشان کند. به این ترتیب، معترضان زمام خودشان را از دست نمی‌دهند، اعتراض به خشونت و اغتشاش تبدیل نمی‌شود، و دشمنان مجال سوءاستفاده نمی‌یابند. حکومت باید این را فرصت بداند و نه تنها با آن مخالفت نکند، بلکه ارائه مجوز را آسان کند. این حکم عقل است. باید به مردم مجوز داد تا مسئولان متوجه امور بشوند.